

## بررسی حضور مؤلفه‌های فکری سنت افلاطونی - افلوپینی در اندیشه‌ی خواجه نصیرالدین طوسی

سیدمرتضی هنرمند\*

### چکیده

حکمت و فلسفه در ایران پس از اسلام و همچنین در دیگر نقاط جهان اسلام، از طریق نهضت ترجمه با حکمت یونانی پیوند خورده و به تعامل رسیده است. خواجه نصیرالدین طوسی از جمله اندیشمندان برجسته در جهان اسلام است که از طریق حکمت مشاء و آثار فارابی و ابن سینا، با فلسفه یونانی آشنا شده و با ابتکارات خود بر غنای آن افزوده است. حال پرسش اینجاست که کدامیک از مؤلفه‌های فکری حکمت یونانی، بویژه سنت افلاطونی - افلوپینی، در اندیشه‌های فلسفی و کلامی خواجه نصیرالدین طوسی حضور دارد؟ در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به آثار خواجه نصیر صورت گرفت، دریافتیم که این حضور و مشابهت در قالب اشکال مختلفی بروز کرده است که عبارتند از: (۱) پذیرش کامل و بدون تغییر، گرچه همراه با جابجایی، دیدگاههای یونانی؛ مانند اکثر مسائل منطقی، مبحث مقولات دهگانه، علل اربعه و تقسیمات علوم؛ (۲) تکمیل، تغییر و افزودن براهینی بر اثبات دیدگاههای پیشین؛ مانند مسئله امتناع تسلسل، تجرد نفس، اثبات واجب، توحید واجب، امتناع صدور کثیر از واحد، اتحاد

۱۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۹ نوع مقاله: پژوهشی

\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه ملایر، ملایر، ایران؛ navust@yahoo.com



عقل و معقول و جوهریت صور نوعیه؛ ۳) تغییر محتوا و ماهیت دیدگاههای یونانی در عین حفظ نام و عنوان قدیمی آنها؛ مانند مثل افلاطونی.

**کلیدواژگان:** تطور تاریخی، دیدگاههای فلسفی و کلامی، سنت افلاطونی - افلوپینی، تاریخ فلسفه اسلامی، خواجه نصیرالدین طوسی.

\* \* \*

### بیان مسئله

یونان از کهنترین سرزمینهایی است که وارث تمدن و فرهنگ فلسفی بوده که تأثیر زیادی بر تاریخ تفکر فلسفی گذاشته است. ورود آثار و کتب یونانی به عالم اسلام و در میان مسلمانان در رشته‌های مختلفی همچون طب، فلسفه، نجوم، ریاضیات و ... در چندین موج و نهضت صورت گرفت. نهضت و موج اول در زمان مأمون عباسی در قالب نهضت ترجمه و استنساخ آغاز شد و در طول دو قرن در گستره‌ی وسیع و با پیشرفتی قابل توجه در مرکزی بنام بیت‌الحکمه و با محوریت حنین بن اسحاق (۱۹۴-۲۶۰ ه. ق) که از مسیحیان حیره، آشنای به زبان یونانی و سریانی و طبیب دربار متوکل بود، بسیاری از آثار علمی، فلسفی، منطقی و شعر ترجمه گردید. در این موج رگه‌هایی از تألیف نیز دیده میشود که بهمت ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (۱۸۴-۲۵۸ ق) و محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۱ ق) با مشربنی نوافلاطونی صورت گرفته است (مطهری، ۱۳۷۲: ۵/۲۴-۲۱؛ همان: ۱۴/۴۶۱).

در موج دوم که از قرن چهارم تا هفتم قمری طول کشید، مواجهه‌های مختلفی از سوی اندیشمندان اسلامی با آثار و اندیشه‌های ترجمه‌شده وارداتی شکل گرفت. در این مواجهه، متکلمان اشعری - مانند غزالی (در کتاب *تهافت الفلاسفه و مقاصد الفلاسفه*)، فخر رازی (در کتاب *شرح اشارات*) و شهرستانی (در کتاب *مصارع الفلاسفه*) - در مقام ناقدان و مخالفان اندیشه‌های فلسفی (رویکرد سلب و نفی) و متکلمان و فیلسوفان معتزلی (که در اقلیت بودند) با